

شجریان حضور وزیر ارشاد را به فال نیک گرفت

ندیدی ماهتاب امشب چه زیاست

● فرزانه ابراهیم زاده:بعد از چندسال درهای تالار بزرگ وزارت کشور به‌سوی موسیقی باز شده و ترافیک منتهی به میدان فاطمی و خیابان شهید گمنام، عادی‌ترین موضوعی است که این ساختمان به خود خواهد دید. همان‌طور که همایون شجریان در هدفتون می‌خواند: «ندیدی ماهتاب امشب چه زیاست» به‌سمت در ورودی تالار وزارت کشور می‌رفتیم و به آسمان نیمه‌ماه مردادی نگاه می‌کردیم. ترافیک واقعی اما در لایِ سالن به‌سمت داخل است. همایون شجریان و تهمورس پورنظاری چندمهای است با انتشار آلبوم نفرشتمان نه‌شیطان موجی در میان جامعه فارسی‌زبان به وجود آورده‌اند. موجی که موافقان و مخالفان خودش را داشته و نشان از شنیده‌شدن تازه‌ترین تلاش هنرمندانی دارد که می‌خواهند از زیر سایه نام خانوادگی‌شان بیرون بیایند و خودش را با نام خودشان معرفی کنند.

همان‌طور که در میان صندلی‌ها به‌دنبال شماره روی بلیت می‌گردم نگاه می‌به دکور می‌اندازم. برخلاف دو کنسرت قبلی همایون شجریان و پورنظاری‌ها صحنه اجرا ساده است. به نظر تعداد نوازندگان و حجم میکروفن‌ها و آلات موسیقی باعث سادگی شده. اما با ورود همایون شجریان و تهمورس پورنظاری و سایر اعضای گروه روی صحنه سادگی لب‌بشاش نشان می‌دهد که این سادگی تعمدی است. به نظر آنچه در این کنسرت اهمیت داشته موسیقی و اجرا بوده است. نور سالن که کم می‌شود میهمان ویژه این اجرا هم وارد می‌شوند.مهم‌ترین مهمان علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است که به همراه علی مرادخانی معاون هنری و سایر همراهانش در ردیف اول می‌نشیند، کمی آن‌سوتر از کی‌کسرو پورنظاری و انوشیروان روحانی. تعدادی از روسای کل ارشاد اسلامی استان‌ها که این‌روزها در تهران هستند و بیشترشان روحانی، بعد از وزیر وارد می‌شوند. شعرِ از مولانا آغاز گر این اجراست: «چه کسسم من چه کسم من که بسی وِسوسه‌مندم» که از آن سوی کشندم که از این سوی کشند» اگرچه این شعر در آلبوم نیست اما مقدمه‌ای خوب برای نخستین نمایش این اجرا یعنی نفرشتمان نه‌شیطان با شعرِ از حسین منزوی است. شعرِ که آلبوم نامش را از آن گرفته است. همایون شجریان از همین اجرای نخست نشان می‌دهد که با جسارت و اطمینان خاطر زیادی روی صحنه آمده است. اجرای مسلط با وجود تغییراتی که تنظیم این اجرا داشته است و نارساییون سیستم‌های صوتی سالن نشان از اطمینان او و همکاری‌اش با تهمورس پورنظاری دارد. انگار «چرا رفتی» شاهد این نکته بود که پسر شهریار موسیقی در آستانه ۲۸سالگی حالا در حال تبدیل‌شدن به نامی است که از پدر جز نام، تنها تعصدا و چشم‌انش را به یادگار ببرد. اگرچه نوازندگان غربانی‌بر که در تنظیم آلبوم گروه را همراهی کردند جایشان را به هنرمندان ایرانی دادند اما ترکیب انتخاب‌شده، از پس اجرا و تنظیم تازه برمی‌آیند. با شنیدن صدای قطرات آب تصنیف «کولی» آغاز می‌شود. تصنیفی که با شعرِ از سیمین بهبهانی همراه شده است. با پایان این تصنیف،سهراب پورنظاری به روی صحنه می‌آید تا با کمانچه «دل‌پدل» را همراهی کند. تصنیفی که سالان را به وجد می‌آورد. بعد از اجرای دو تصنیف «شتک» و «در حصار شب» همایون از جمع می‌خواهد که صحبت کند. او که همچنان که خودش هم می‌گوید خیلی اهل صحبت‌کردن نیست حضور گروه بازیگران کلیپ «چرا رفتی» را در سالن اعلام می‌کند. سحر دولت‌شاهی، ستاره پسبلی، نوید محمدزاده در غیاب باران کوثری این کارند این کلیپ که در همان زمان اجرا شد، به شنیدن این اجرا ادامه‌دند. همایون شجریان سپس با اعلام حضور آهنگساز قطعه بعدی از کی‌کسرو پورنظاری اجازه خواست تا قطعه «مردان خدا» را که به قول او توسط خوانندگان بزرگی خوانده شده اجرا کند؛ او گفت: «افتخار می‌کنم که این قطعه را در حضور استاد کی‌کسرو پورنظاری اجرا می‌کنم. مردان خدا با تکنوازی سهراب پورنظاری آغاز شد و بعد تصنیف، که با شعرِ از مولانا اجرا شد. هرچه به پایان اجرا نزدیک‌تر می‌شد به تعداد نوازندگان افزوده می‌شد. به نظر می‌رسید که تهمورس پورنظاری با برهم‌زدن تنظیم آلبوم، قطعات را از اجراهای کم‌نوازانه به قطعات پرساز چیده است. مانند سیستم‌های برادران پورنظاری، قطعه تقریباً بی‌کلامی ساخته سهراب پورنظاری در بخش بعدی اجرا شد. قطعه‌ای که بیشتر، قدرت نوازندگان را به نمایش می‌گذازد. بعد از اجرای این قطعه، همایون شجریان بار دیگر اجازه خواست تا چندکلمه صحبت کند و میهمان دیگر این مراسم را معرفی کند. او با خوش‌آمدگفتن به وزیر ارشاد، حضور علی جنتی را به فال نیک گرفت و گفت: «امیدوارم حضور ایشان در این جمع به معنای این باشد که مسایل و مشکلات موسیقی به‌خصوص در شهرستان‌ها کمتر شود.» با گفتن این جمله، حضار هم وزیر و هم همایون را تشویق کردند. بخش پایانی اجرا برای دو قطعه «چونی بی‌من» و «درون آیین» تنظیم شده بود و درست در لحظه پایان درون آیین به افزودن‌شدن ساز پیانو قطعه اصلی این اجرا یعنی «چرا رفتی» آغاز شد. قطعه‌ای که این آلبوم را به مردم شناساند و همایون شجریان در غیاب شاعر نامدارش که دکترا‌ها در روند درماتش ابراز امیدواری کرده بودند، اجرا کرد. بعد از اجرای این قطعه بود که نوبت به قطعه «بیز» رسید. برخلاف شب‌ها و کنسرت‌های قبلی، مردم «هوای گریه» را از همایون خواستند. اما او قطعه دل‌پدل را بار دیگر اجرا کرد. از در سالن وزارت کشور که خارج شدم شب روشن با نوای پشت سرم در هم می‌پیچید که: «ندیدی ماهتاب امشب چه زیاست.»

در نکوداشت تنها «دولتی‌نواز» ایران مطرح شد

بلوچستان فقط «ریگی» ندارد؛ «اسپندار» هم دارد



علی، وزیر ارشد

نیمای توسلی: از در آسانسور هتل که می‌آید بیرون، ساده‌تر از همان تصاویری است که همه‌جا دیدیم. «شیرمحمد اسپندار» تنها نوازنده دولتی ایران که حالا نزدیک به ۸۵ سال دارد، با چشم‌هایی نلغذ، که به دبین کویر و نخل‌ها عادت کرده حکایت از مردی دارد که تمام عمرش با سادگی و احساس و اراده زندگی کرده با قدی کوتاه و لباس بلوچی بلند و کلاهی متفاوت از عکس‌هایش یک کلاه مسطلی، لنگ همیشه‌گی‌اش هم همراهش است. بمبور دو چهره سرشناس دارد، یکی شیرمحمد اسپندار دولتی‌نوازی با شهره جهانی و دیگری مهتاب نوروزی، سوزن‌دوز تولمندی که دو سال پیش در گذشت و از تعدادی از گرایش‌های مجموعه سع‌آباد نگهداری می‌شود. اسپندار خوش‌شانس است که در زمان حیاتش از او در تالار وحدت تجلیل شد. جشنی برای پیرمردی ایداعی بمپوری که با حضور هنرمندان بومی استان و برخی چهره‌های رسمی بر گزار شد. وزیر ارشاد نیامد، اما مرادخانی، معاون هنری او حضور داشت. به‌همراه کسانی که بدنبالش می‌روند به هتل می‌روم. همین فرصتی می‌شود تا گپ کوتاهی با شیرمحمد بزنم. همراه پسرش است که می‌انسان است و می‌گوید کارمند اداره آب ایرانشهر است. سوار تاکسی می‌شویم و گفت‌وگویمان شروع‌نشده تمام می‌شود. از او می‌پرسم: «استاد از زندگی‌تان راضی هستید؟» او می‌گوید: «شکر خدا، نظارش درباره دل‌کودشت هم همین است. او این مراسم را رسمی‌تر از بقیه بزرگداشت‌هایش می‌داند. از شاگرداش می‌پرسم: او از موسی بلوچ می‌گوید که شاگردش بوده و قوت کرده و به چندنفر درس داده وقتی درباره ادامه آموزش دولتی سوال می‌کنم، می‌گوید: «درس نمی‌دهم» اینجااست که پسرش وارد صحبت می‌شود و می‌گوید: «توان و علاقه‌اش هست، اما نیاز است که برایش امکالت لازم برای تدریس را فراهم کنند، وقتی از سازدن هم می‌پرسم این پسرش است که پاسخ می‌دهد: «کمتر شده اما هنوز هرروز برای مدتی کوتاه هم شده توی خانه ساز می‌زنند.» شیرمحمد درباره کمبود

دولتی در ایران می‌گوید: «جنس دولی با بانی معمولی کمی فرق می‌کند. اینجا از جنس «کلیبر» و «اگز» ساخته می‌شود که «کلیبر» بهتر است.» از شیرمحمد درباره کارهای این‌روزهایش می‌پرسم و او می‌گوید: «زمین دارم درخت خرما دارم. کشاورزی می‌کنم، داخل سالن اصلی تالار وحدت، تا سه‌طبقه تقریباً پر شده. افشار سیستمی به‌عنوان دبیر علمی همایش معرفی می‌شود و از استاد و استان می‌گوید، بعدش، نوا و رقص محلی است که باره‌لوپارها تا ساعت ۱۰، ۴۰۰ شب توسط گروه‌های مختلف بر گزار می‌شود.

ساعتی از شروع که می‌گذرد، اسپندار دعوت می‌شود به روی سن. که حالا پر شده از مقام‌های رسمی، به‌جز مرادخانی، بقیه از خود منطقه هستند. بیشتر حضاران را سیستانی‌ها و بلوچ‌ها تشکیل می‌دهند.عادل مزاری، دبیر کمیسیون کلاشهرها که بر گزار کننده مراسم است گفت: «ما فقط عبدالملک ریگی نداریم، اسپندار هم داریم، خیلی زیاد. صداسیما باید به جنبه‌های مثبت استان توجه بیشتری داشته باشد. وزیر فرهنگ هم باید در این مراسم حضور می‌داشت، چون مثل شیرمحمد اسپندار دیگر نداریم.» او تأکید می‌کرد بر مراسمی که زمستان اسمال در محل زندگی استاد برگزار و اینکه مجسمه‌های استاد هم تا آن زمان آماده خواهد شد. گویا از مولوی عبدالحمید، امام‌جمعه اهل تسنن زاهدان هم برای حضور در این مراسم دعوت به عمل آمده بود، اما پاسخ او این بوده است: «حضور من به‌عنوان عالم مذهبی در برنامه موسیقی خوب نیست، اما از این مراسم تقدیر می‌کنم و آقای موسی‌زاده به نمایندگی از من در مراسم حضور خواهند داشت.همه آنها که مانده‌اند فقط برای شنیدن ساز استاد مانده‌اند. حوصله‌ها سر رفته که سرانجام اسپندار می‌آید و می‌نشیند روی سکوی سوزن‌دوزی‌شده وسط سن. «من مثل شما ایرانی هستم. بلوچم و افتخار می‌کنم که در این کشور هستم. دستم به کشور دیگری دراز نیست. ما راضی هستیم که در کشور و دیار خودمان زندگی می‌کنیم. ای خدای متعال، دست ما را بگیر ای خدا» و می‌نوازد.

ادامه از صفحه ۷

میر کریمی: اختلاف فیلمسازان با حوزه هنری، مهندسی‌شده بود

توقع و چشم‌داشتی ندارد. ضمن اینکه در دادن اطلاعات در مورد گذشته قرار بود امساک کنیم و به‌طور واضح در مورد گذشته توضیحاتی ندادیم. یکی، دروزر هم طول کشید تا رفتارهای حسن را پیدا کنیم. از جمله مواردی که پرویز پیشنهاد داد و در مراسم هم خیلی خوب اجرا شد. شکل بزرگی بود که انگار روی حرف‌هایی که طرف مقابلش می‌زد، تمرکز ندارد و انگار اصلا گوش نمی‌کند. اما در زمان جواب‌دادن متوجه می‌شویم همه حرف‌ها را شنیده است. این الگویی شد که آقای پرستویی باید در بازی رعایت می‌کرد و نگاه‌های طولانی و خیره به نقاطی در پس‌صورت آدم‌ها که به‌نظرم خوب از کار در آمده است.

● **ضمن اینکه صدایش انگار از اعماق تاریخ می‌آید؟**
صدای مردانه شناسنامه‌داری را اتود زدیم و یکدستی آن را به محسن قرایی سپردم. جاهایی دقیقاً صدا را بارها تکرار می‌کردیم که همین لحن خشدار و مرانه حفظ شود. یکی، دو مورد هم که را کاورد صدا حفظ نشده بود در صداگذاری عوض شد. اما صدایی بود که پرویز ب آن مسلط شد و بخش‌های مهمی از داستان را که دیالوگ‌های طولانی داشت با همان لحن گفت. تجربه کار با پرویز پرستویی برایم خیلی شیرین بود.

● **چرا صدیقه شخصیت اول داستان نیست؟**
شخصیت اصلی ما پونس است چون صدیقه یک شخصیت استثنایی نیست. صدیقه مثل یک آزمون است که سر راه شخصیت اصلی ما قرار گرفته است. اگر می‌توانیم مرحله به مرحله مسیر حوادث قصه بزرگ‌تر و سخت‌تر می‌شود. اول فقط رساندن زن به بیمارستان است، بعد بستری شدن و خلافت‌ا دیگر که باید پر شود. در نهایت مرد باید نقش سختی را ایفا کند که نقش آخر فیلم است.

● **به‌نظرم بیشتر نشان از درگیری و دل‌غوه فیلمساز با جامعه دارد. قبول کنید که با وجود سادگوش خیلی هم خوشبین بودید. انگار فیلمساز هم به یک قطعیت رسیده که خودش هم نمی‌تواند امید واهی به کسی بدهد؟**
«امید واهی» از واژه‌شنگنی استفاده کردید. نباید امیدواری را با سادگوحی اشتباه گرفت. نمی‌توان سادگوحانه به همه چیز نگاه کرد و گفت لیخند بزنیم و همه‌چیز درست می‌شود. الگویی ما در مورد زن و پونس یک مقدار الگویی شبیه به فلتین و ژان‌والزان در بینوایان ویکتور هوگو بود که دخترش را به او می‌سپرد و خودش حذف می‌شد. در این میان تعهدی به وجود می‌آمد که ژان‌والزان حتما باید از کورت مواظبت کند. یعنی وفاداری به قولی که به این زن داده است که سایه سسر این دختر باشد.

● **با آن اتفاق، شروع قصه ویکتور هوگو بود. اما اگر قرار باشد فیلم شما رمانتیسیمم از نوع ایرانی را به نمایش بگذارید با این واقعیت که نشان می‌دهد سرنوشت زن‌ها جامعه کنونی تلخ است، در تضاد نیست؟**
به آمار تکران‌دهنده یکی از بیمارستان‌های جنوب شهر دسترسی پیدا کردیم که در مورد زن‌ای بود که اینطور به بیمارستان‌ها بر مارجع می‌کنند. قانونی در بیمارستان گذاشته

هنر

جنتی: فشار سیاسی روی وزارت ارشاد هست

مخالفت «وزیر» با تفکیک جنسیتی در کنسرت‌ها



علی، وزیر ارشد

حال علی جنتی، وزیر ارشاد که صبح روز گذشته، ۱۹ مرداد در حاشیه اولین اجلاس سراسری مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها در جمع خبرنگاران صحبت می‌کرد، در مورد تفکیک جنسیتی در کنسرت‌ها گفت: «مجموعه فرهنگی دولت و کل دولت به هیچ‌عنوان با چنین موضوعی موافق نیست و ما چنین طرحی را اجرا نخواهیم کرد چراکه آن را بر خلاف نظام خانواده می‌دانیم.» او افزود: «اما به تمام زیرمجموعه خود هم اعلام کرده‌ایم در راستای سیاست‌های فرهنگی دولت حرکت کنند. دولت مخالف اینگونه تفکیک جنسیتی است و نمی‌شود در کنسرتی که بر گزار می‌شود، گوییم یک روز آقایان بروند و یک روز خانم‌ها یا در خصوص نمایش فیلم‌ها این مساله را عنوان کنیم.»

فشار سیاسی روی وزارت ارشاد

اما در بخشی از مراسم سخنرانی جنتی در بین مدیران کل ارشاد استان‌ها، وزیر ارشاد به فشارهای وارده بر این وزارتخانه هم اشارهای کرد. او در این‌باره گفت: «برای آنکه این جنسیتی، یک شب به زن‌ها و شب دیگر به مردها اختصاصی خواهد یافت. پرویز ارجمند نیز در همین رابطه به «شرق» گفته بود: «به‌تازگی نیروی انتظامی در شورای سیاستگذاری برگزاری کنسرت‌های استان آذربایجان‌غربی، درحواست برگزاری کنسرت‌ها به‌صورت تفکیک جنسیتی را ارایه داده و خوشاستار آن شده که نام‌های تنظیم و ابلاغ شود و این ربطی به سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر موسیقی ندارد.» حسین نوش‌آبادی، معاون پارلمانی وزارت ارشاد نیز دومین مقام مسوولی بود که در مورد تفکیک جنسیتی در کنسرت برخی از شهرستان‌ها عنوان کرد: «اگر تفکیک جنسیتی در همه برنامه‌های هنری اعمال شود، نه‌تنها خانواده‌ها از این نوع برنامه‌ها محروم می‌شوند، بلکه انس و الفت میان آنان نیز از بین می‌رود.»در همین

«اشغال‌های دوست‌داشتنی» مجوز نمی‌گیرد

امیر یوسفی: در تلاش برای ملاقات با وزیر هستم



● **سحر آزاد:** هنوز یک هفته از اعلام نتایج نظرسنجی سازمان سینمایی مبنی بر کسب رتبه «عالی» برای فیلم «اشغال‌های دوست‌داشتنی» نمی‌گذرد که اظهارنظر وزیر در مورد این اثر، آب

پاکی را روی دست همه به‌جز کارگردان آن ریخت که در تلاش است در ملاقات با جنتی مشکل را حل کند. هفته گذشته گزارشی از نتایج نظرسنجی سازمان سینمایی از نمایش فیلم‌های توقیفی یا آثاری که مشکل اکران دارند، منتشر شد. این نظرسنجی‌ها حاصل نشست‌های تخصصی با اصحاب رسانه و منتقدان بود که در زمستان سال ۹۲ به تماشای این فیلم‌ها نشستند و پس از آن فرم‌های نظرسنجی را پر کرده بودند. آخرین فیلمی که در این نشست‌ها به نمایش گذاشته شد «اشغال‌های دوست‌داشتنی» به کارگردانی محسن امیریوسفی بود که در نظرسنجی‌ها، تاونست با رتبه عالی مقام اول جشنواره فیلم‌های توقیفی را از آن خود کند. اما کسب این رتبه نیز مانع از آن نشد که بلاکلیفی از وضعیت نمایش عمومی آن بین‌برود هرچند تاحدودی امیدها را برای دادن مجوز اکران به «اشغال‌های دوست‌داشتنی»، افزایش داده بود. با اینکه هیچ‌گاه به‌صورت رسمی مشکل این اثر همچون دیگر فیلم‌های توقیفی گفته نشد اما حرف‌وحديث‌ها بر سر داستان فیلم بود که در مورد وقایع سال ۸۸ است. با این‌حال اظهار نظر علی جنتی، وزیر ارشاد که روز گذشته، ۱۹ مرداد در حاشیه اولین اجلاس سراسری مدیران کل ارشاد در جمع خبرنگاران صورت گرفت، به نوعی آب پاکی را روی دست همگان ریخت: «این فیلم تاکنون مجوز نگرفته است و مجوز هم نمی‌گیرد.»امیر یوسفی نیز که از این مدت تریاج داده است صحبتی در این مورد نکرد تا روند صدور برونمایش آن پیچیده‌تر نشود. در واکنش به موضع وزیر به «شرق» گفت: «ترجیح می‌دهم همچنان اظهارنظر مستقیمی در این زمینه انجام ندهم. در تلاش هستم ملاقاتی حضوری باوزیر صورت بگیرد تا در این جلسه نظرات ایشان را بشنوم و بتوانیم در مورد فیلم صحبت کنیم.

تجلیل از داودنژاد و صابری در هشتمین جشن انجمن منتقدان

● **بهزاد شیریمانی:** نشست خبری هشتمین جشن بزرگ منتقدان سینمایی، روز گذشته ۱۹مرداد با حضور جواد طوسی (دبیر جشن)، کیوان کثیریان، سحر عصرآزاد، علی غلابی و جعفر گودرزی در سالن سیفاله داد خانه سینما برگزار شد. جواد طوسی در ابتدای صحبت‌هایش با اشاره به اهداف شورای مرکزی انجمن منتقدان سینمای ایران گفت: «تا جایی که برایمان مقدور است، تلاش می‌کنیم که انجمن بتواند موجودیت و جایگاه مستقل خودش را پیدا کند و فکر می‌کنم با معرفی کلدی‌های جشن و معرفی فیلم‌های برتر، این موجودیت و جایگاه مستقل بیشتر خودش را نشان بدهد.» او ادامه داد: «در جشن اسال برای علیرضا باسلامیاد به‌عنوان کارگردانی که جایگاه تاریخی پیدا کرده و در سینمای پیش از انقلاب و پس از آن حضور داشته، بزرگداشت بر گزار خواهیم کرد و دیگر چهره‌ای که از او تجلیل خواهد شد، ابرج صابری است که در ۴۰ و ۵۰ حضور مؤثری در عرصه تکنفوقی داشته است.»در ادامه این نشست، کیوان کثیریان (رئیس شورای مرکزی) درباره چگونگی جمع‌آوری آرا گفت: «همزمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر و بعد از آن، فرم‌هایی که اعضا می‌توانستند نظرانتشان را اعلام کنند در اختیار اعضای انجمن گذاشته شد و این فرصت بار دیگر با فرمی که در سایت انجمن گذاشته شد، تمدید شد و سیستم رای‌گیری به‌نوعی بود که امکان شهیه وجود نداشته باشد و خوشبختانه اسال استقلال‌بخشتری از سوی استنادن باسلامیاد انجام شد و آرای منتقدتری تری داده شد.»جعفر گودرزی، (دبیر اجرایی هشتمین جشن بزرگ منتقدان) نیز گفت: «جشن انجمن منتقدان روز چهارشنبه ۲۲مرداد در ساعت ۱۷:۳۰ دقیقه‌ودر ایوان شمس برگزار خواهد شد. طراحی پوستر و کارگردانی جشن نیز بر عهده مجید بزرگ است و تمام تلاشمان این است که جشن شبیه کار برگزار کنیم.»او ادامه داد: «شهرام شکبیا مجری برنامه خواهد بود و کامران ملکی نیز در کنارش حضور دارد و با تمام سختی‌هایی که برگزاری این جشن دارد و مشکلات مالی که ما با آن دست‌به‌گریبان هستیم، اما همیشه سرمان را بالا نگه می‌داریم و زیر منت کسی نمی‌رویم.»در بخش دیگری از این مراسم، یکی از خبرنگاران پرسشی مبنی‌بر اینکه چرا رشته‌های تخصصی سینما مثل صابرداری یا فیلمبرداری در این جشن بررسی می‌شود و آیا بهتر نیست دآوری بخش‌های تخصصی تر سینما به افراد متخصص سپرده شود و اساسا زمان کوتاه جشنواره فیلم فجر، زمان مناسبی برای ارزیابی همه فیلم‌ها نیست، را مطرح کرد و سحر عصر آرد (رابط عمومی و سخنگوی انجمن) در پاسخ به این پرسش گفت: «بعداز برگزاری جشنواره فیلم فجر سعی کردیم فیلم‌های شاخص جشنواره را بار دیگر در خانه سینما نمایش بدهیم تا امکان دوباره دیدن فیلم‌ها برای اعضا فراهم شود.»علی غلابی (عضو کمیته برگزاری جشن و مسوول شمارش آرا) نیز در ارتباط با این پرسش گفت: «مسال سومین دوره‌ای است که جشن منتقدان به شکل آکادمیک برگزار می‌شود.»پیش از این برای بخش‌های فنی مانند فیلمبرداری، تدوین و صدا عنوان بهترین دستاورد فنی را در نظر می‌گرفتم اما بعدلین اینکه از منتقدان توقع نظرسنجی فنی‌تر وجود داشت تصمیم گرفتیم که این بخش‌ها را جدا کنیم و این تمرینی برای دوستان منتقد است که در فرآیند فیلم‌دیدن به همه نکات فیلم توجه کنند»